



استمرار انقلاب و استقرار دولت، از منظر شهید بهشتی

سیدامیرمهدی مشرف - عضو کارگروه سیاست

مقدمه

پس از پیمان صلح و ستفالیانیا نظم جامعه بین‌الملل، دستخوش تغییر گردید و بازیگران بین‌المللی ابتدا در اروپا و سپس در سراسر جهان به دولت-ملت‌های مستقلی بدل شده‌اند که مختصات خاص خود را دارا بوده و از دل مفاهیم ناسیونالیستی و ملی سربرآورده‌اند. از همین رو انقلاب‌هایی که در این عصر اتفاق افتاد نیز به تبع همین نظم بین‌الملل، به‌دنبال تغییر و تحول در اوضاع و احوال داخلی کشورها در محدوده جغرافیایی مشخص همان کشور بود. (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۳۹-۳۸) در حقیقت انقلاب‌ها مجموعه تحولاتی را رغم میزد که منجر به تغییر نظام سیاسی می‌شد و به‌نظر، کار انقلاب در همان جا به انتها می‌رسید و با استقرار دولت جدید، تب

مفهوم استمرار انقلاب از نظر شهید بهشتی پردازیم.

۱. ارکان دولت-ملت‌های مدرن

همان‌طور که گفته شد نظم بین‌المللی در روزگار ما بر مبنای حضور دولت-ملت‌ها بنا شده است. حالا با عنایت به این موضوع باید بدانیم که ارکان تشکیل دهنده این واحدها چیست تا بتوانیم درک صحیحی از دولت‌های امروزی داشته باشیم.

برای دولت-ملت‌ها سه رکن را نام می‌برند. این ارکان در نظریه هیات داوری برای یوگوسلاوی در نوامبر ۱۹۹۱ نیز آمده است (عباسی، ۱۴۰۱: ۱۰۱) که عبارتند از: ۱- چهارچوب فضایی: مقصود از آن مرزهای جغرافیایی یک کشور است که به‌صورت دقیق مشخص گردیده و محدوده اعمال قدرت سیاسی بر شهروندان آن است. ۲-

انقلابی فروکش می‌کرد و عصر محافظه‌کاری جدیدی شروع می‌شد. در این وضعیت، صحبت از استمرار انقلاب پس از استقرار دولت جدید با دو مشکل مواجه است اول آنکه استمرار انقلاب، یک تهدید برای نظم سیاسی جدید قلمداد می‌شود؛ چرا که فعالیت‌های انقلابی، به‌دنبال دگرگون کردن و شکستن قیود موجود است اما دولت به‌دنبال محدود کردن برای حفظ نظم می‌باشد. و دوم این که اساسا هدف عمده انقلاب‌ها تغییر نظام سیاسی و ارزش‌های حاکم بر آن در یک محدوده جغرافیایی خاص است و با حصول آن دیگر سخن از استمرار انقلاب، آنچنان محلی از اعراب ندارد. اما با این تفاسیر، سخن از استمرار انقلاب حتی پس از استقرار دولت، در کلام رهبران انقلاب اسلامی ایران بسیار دیده می‌شود. در اینجا می‌خواهیم به معنا و

گروه انسانی: منظور از آن مجموعه افرادی است که در چهارچوب مرز جغرافیایی و تحت لوای یک قدرت سیاسی قرار می‌گیرند. ۳- قدرت سیاسی: یکی دیگر از ارکان سازنده دولت- کشورها است. به این معنا که باید یک اقتدار برتر وجود داشته باشد که صلاحیت انحصاری اعمال زور را بر شهروندان در محدوده جغرافیایی خود قائل باشد و منشأ وضع قواعد هنجاری لازم الاجرا گردد. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۸: ۷۲-۵۶)

۲. جایگاه ملیت در انقلاب

به این ترتیب، در جهان امروز با مردمانی سرو کار داریم که به ملیت، به‌عنوان یک عنصر هویت‌ساز نگاه می‌کنند و از سوی دیگر با دولت‌هایی رو به‌رو هستیم که طیف صلاحیت خود را محدود به ملت و مرزهای خود می‌بینند. اما این مسئله همان‌طور که گفته شد معجونی است که ساخته و پرداخته در غرب و عصر روشنگری است. رهبران انقلاب اسلامی بارها نسبت به این موضوع نقدهایی وارد کرده‌اند. از نظر آنان نه ملیت می‌تواند عنصر وحدت‌ساز برای مردم باشد و نه مسئولیت‌های دینی ما مرز می‌شناسد.

شهید بهشتی در خصوص ملیت معتقد بودند زمانی که از پیوند میان انسان‌ها صحبت می‌کنیم با گروهی مواجه هستیم که دارای نیای مشترک بوده و پیوند خونی میان آن‌ها برقرار است این شکل از ارتباط که یک ارتباط سنتی است بر مبنای عناصر عینی و مشخصی بنا نهاده شده و قابل تشخیص است که در بین مردم متعلق به یک قوم و قبیله آن را می‌بینیم. یک موقع پیوند بر اساس زبان مشترک است مثلاً مردم یک روستا همگی با یک زبان سخن می‌گویند یک موقع هم آداب و رسوم مشترک است که مبنای پیوند میان افراد می‌شود. اما شهید بهشتی، کشوری مانند سوییس را مثال می‌زند که مردم آن کشور نه زبان مشترک

ملی‌گرا در راستای پیروزی انقلاب اسلامی متحمل شدند را قدر می‌نهند اما معتقد بودند که این مقدار برای ملت ما ناقص است و مردم ما به دنبال انقلاب دینی بودند نه انقلاب ملی. بنابراین از نظر ایشان محدود کردن خود در چهارچوب تنگ ملیت در مقایسه با مبارزه در پهنای جهان اشتباه است از آن جهت که اولی مقیاسی بسیار کوچک‌تر از آمال و آرمان‌های امت مسلمان ما است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۷۸-۷۶)

۳. مسئله مرز در انقلاب اسلامی

در نظر شهید بهشتی، انقلاب اسلامی به هیچ‌عنوان یک انقلاب محلی که خود را مقید به چهارچوب جغرافیایی می‌بیند نبوده بلکه اساساً در نظر ایشان یکی از عوامل پیروزی انقلاب، مسئله فرا محلی بودن این انقلاب بوده است و ایشان معتقد بودند که اگر انقلاب اسلامی، می‌خواست بدل به نهضتی محلی شود حتی در داخل مرزهای ایران هم موفق نمی‌شد. در ادامه راه نیز این موضوع نباید از نظرها غافل شود و انقلاب اسلامی را با یک استحاله، تبدیل به انقلابی منحصر به مرزهای ایران کنند. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۵: ۷۴)

۴. مراحل پیروزی یک نهضت

شهید بهشتی به بررسی مراحل اساسی پیروزی یک نهضت پرداخته و ضمن آن به تمایز میان نهضت‌های ملی و نهضت‌های مکتبی، اشاره می‌کنند. این مراحل عبارتند از: ۱- پیدایش ایده جدید ۲- شکل‌گیری هسته اولیه طرفداران ۳- محقق شدن ایده ۴- استقرار کامل ایده به این معنا که این ایده، قدرت لازم برای مقابله با جریان‌های مخالف داخلی و قدرت‌های خارجی را در محدوده تحت استیلای خود پیدا می‌کند. این چهار مرحله ذکر شده در میان تمام نهضت‌ها مشترک است اما از نظر شهید

دارند و نه لزوماً بایکدیگر پیوند خونی دارند نه آداب و رسوم مشترک دارند. شهید بهشتی اصل این مسئله که معیار مشخصی وجود داشته باشد که این افراد را با هم متصل کند را مورد سوال قرار می‌دهند و حتی با پذیرش آنکه یک معیار وجود داشته باشد این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا انسانی که به دنبال ابدیت است می‌تواند خود را محدود به چهارچوب‌های ملیت ببیند؟ اما قرآن همه انسان‌ها را با هم مرتبط می‌داند و این حصارهای جغرافیایی را به رسمیت نمی‌شناسد. از نظر قرآن، اولاً همه انسان‌ها از آن جهت که فرزندان آدم هستند با یکدیگر هم خون می‌باشند و ثانیاً از آن جهت که معیار ارزش، تقوا است همه انسان‌ها فارغ از قوم و قبیله و ملیتشان در برابر خداوند، تنها با معیار تقوا و خدا پرستیشان سنجیده می‌شوند. بنابراین معیار قراردادن ملیت، اسلامی نیست. شهید بهشتی در این خصوص به‌صراحت می‌گویند که انقلاب ما یک انقلاب مکتبی است نه انقلاب ملی. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۴۷۲-۴۶۸)

البته شهید بهشتی مبارزات ملی را نفی نمی‌کنند و تلاش و مجاهدتی که گروه‌های



در مورد انقلاب اسلامی، حتی پس از تغییر نظام سیاسی در ایران نه تنها ممکن بلکه در اندیشه شهید بهشتی الزامی است. چرا که اولاً این انقلاب یک انقلاب ملی و محلی نبوده که خود را مقید به مرزها و ملیت خاصی ببیند بلکه این انقلاب یک انقلاب اسلامی بوده که مخاطبش تمام مردم جهان است و ثانیاً دولتی که بر آمده از این نظام است هم در غایت و هدف با دیگر کشورها متفاوت است و هم در روش حکمرانی. البته این به معنای نفی و نادیده گرفتن اقتضائات عصری نمی‌باشد. بنابراین اگرچه امکان جمع میان فضای انقلابی و استقرار دولت در مورد مدل‌های غربی ممکن نیست اما در مورد نظام اسلامی، وضعیت به نحو دیگری است که در متن به آن پرداختیم.

کتاب‌نامه

حسینی بهشتی، سید محمد، (۱۳۹۶)، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی، تدوین محمدرضا سرابندی، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

حسینی بهشتی، سید محمد، (۱۳۹۴)، مبانی نظری قانون اساسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات روزنه

حسینی بهشتی، سید محمد، (۱۳۸۹)، دکتر شریعتی: جستجوگری در مسیر شدن، چاپ پنجم، تهران: انتشارات بقعه

حسینی بهشتی، سید محمد، (۱۳۸۸)، حزب جمهوری اسلامی مواضع تفصیلی، چاپ اول، تهران: نشر بقعه

حسینی بهشتی، سید محمد، (۱۳۸۵)، نقش آزادی در تربیت کودک، چاپ سوم، تهران: نشر بقعه

ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۴۰۰)، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ هفتم، تهران، نشر گنج دانش

عباسی، بیژن، (۱۴۰۱)، مبانی حقوق اساسی، چاپ نهم، تهران، انتشارات جنگل

قاضی شریعت پناهی، سید ابولفضل، (۱۳۹۸)، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ پنجاه هشتم، تهران نشر میزان

دائمی با هر آن چیزی است که انسان‌ها را به زنجیر می‌کشد و از حرکت باز می‌دارد. این مبارزه می‌تواند درونی باشد و انسان با نفس خود مبارزه کند یا می‌تواند ملی باشد و انسان با دولت استبدادی حاکم مبارزه کند یا می‌تواند بین‌المللی باشد و با استکبار جهانی مبارزه کند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۲۳-۱۳) در نتیجه، دولت انقلابی نیز باید دولتی باشد که حامی و عامل آزاد شدن انسان‌ها است و موانع را برای خدایی شدن انسان‌ها از میان بردارد. (حسینی بهشتی: ۱۳۸۵: ۱۹-۱۸)

یکی از ثمرات انقلاب اسلامی، فراهم نمودن فضای رشد و تربیت برای انسان‌ها بود. دولت برآمده از انقلاب اسلامی نیز باید ادامه دهنده همین راه باشد و از فضایی که در آن انسان‌ها تربیت می‌شوند صیانت نماید. بنابراین دولت اسلامی، ضمن آنکه تامین معیشت و خدمات دنیوی و حفظ امنیت را همانند دیگر دولت‌های جهان عهده‌دار است اما اهدافی بزرگتر از آن نیز در سر دارد که مبنی بر فراهم نمودن فضای تربیت انسانی بر مبنای اصول اسلامی می‌باشد. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۸)

در نتیجه، چنین دولتی علاوه بر اینکه بر آمده از ارزش‌های بسط داده شده در نهضت و ایدئولوژی آن است، از روش‌های خاصی نیز برای جامعه عمل پوشاندن به این ارزش‌ها استفاده می‌کند. به عنوان مثال، شهید بهشتی یکی از اختلافات میان دولت موقت و شورای انقلاب را در این می‌دیدند که آنها اصرار به انجام امور بر ریل بروکراسی سابق و الزامات اداری داشتند اما شورای انقلاب به حل مشکلات با روش انقلابی و غیر دست و پا گیر و فرسوده بروکراتیک تاکید می‌کرد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۵۸۸)

جمع‌بندی

در نهایت می‌توانیم بگوییم استمرار انقلاب

بهشتی، نهضت‌های ایدئولوژیک در اینجا متوقف نمی‌شوند بلکه مرحله پنجمی را سپری می‌کنند که عبارت است از گسترش ایدئولوژی نهضت به جوامع دیگر. این اقتضای ذاتی نهضتی است که بر مبنای یک ایدئولوژی جهانی شکل گرفته و پیروز شده است که خود را محدود به یک ملت و مرز خاص نبیند و به دنبال صدور انقلاب خود باشد. البته تمامی مراحل باید مبتنی بر اقتضائات عصری هر دوره باشد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۹۰-۷۱)

از آن جایی که شهید بهشتی به اقتضائات عصری توجه داشته‌اند و همان‌طور که گفتیم در عصر ما دولت-ملت و ارکان آن یعنی مرز و ملیت، بدل به یک واقعیت غیر قابل انکار شده است، دولت اسلامی نیز نمی‌تواند چشم خود را بر آن ببندد و آنها را به کلی نفی کند بلکه در ضمن توجه به استمرار نهضت و جهانی بودن آن و عدم بی‌تفاوتی نسبت به دیگر مظلومان در سرتاسر جهان، باید به این واقعیت نیز توجه شود. شاید از همین رو باشد که در نظر شهید بهشتی، صدور انقلاب به معنای ساختن جامعه و دولتی نمونه است که دیگر کشورها و جوامع می‌توانند آن را الگو بگیرند و به سمت رهایی حرکت کنند. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸: ۴۸۰)

۵. دولت و تداوم انقلاب اسلامی

همان‌طور که انقلاب اسلامی در مقایسه با دیگر انقلاب‌های ملی، منحصر به فرد بود، دولت بر آمده از این انقلاب نیز دولتی منحصر به فرد خواهد بود. در انقلاب اسلامی، فارغ از آن که براندازی نظام سیاسی حاکم مدنظر بود، انقلابیون، اهداف بزرگتری را در سر می‌پروراندند. آنها نه تنها می‌خواستند از زیر یوغ نظام شاهنشاهی بیرون بیایند بلکه می‌خواستند تمام موانعی که سد راه مسیر متعالی آنها به سمت خدایی شدن وجود دارد را از میان بردارند. از همین رو انقلابی بودن به معنای مبارزه